Archive of SID.ir

Ilam University

Comparative Studies on Islamic Countries Law

Print ISSN: 2980-8006 Online ISSN: 2980-8014

Homepage: https://lcs.ilam.ac.ir

Iranian Association of Constitutional Law

# A Comparative Analysis of the Theory of Unpredictability and Force Majeure in Iranian Law and Imamia Jurisprudence

**Amir Mahdi Ghorbanpour[1], Mohsen Ziar[2]**

1. Assistant Prof. of Private Law, Faculty of Humanities, Edalat University, Tehran, Iran. Email: ghorbanpoor@gmail.com

2. Ph.d Student of Private Law Dep., Faculty of Humanities, Edalat University, Tehran, Iran.(Corresponding Author). Email: msnziar@gmail.com

**Article Info**

**Article type:**
Research Article

**Article history:**
Received 1 Apr 2025
Received in revised form 8 May 2025
Accepted 7 Jun 2025
Available online 29 Jun 2025

**Keywords:**
unpredictability،
force majeure،
discharge of obligation.

**ABSTRACT**

After the conclusion of the contract and during its execution, the conditions that prevailed at the time of the contract may change in such a way that the execution of the contract provisions is affected and sometimes it becomes impossible to execute it for various reasons. The change in the conditions prevailing at the time of conclusion and execution of the contract has been identified under various titles, the most important of which are the theories of unpredictability and force majeure, which have been mentioned in Imamia jurisprudence, Iranian law, and other legal systems. Given that the theory of unpredictability has not been independently examined from the perspective of Iranian law and Imamia jurisprudence, it was necessary to conduct an independent study on this topic and compare it with the concept of force majeure within these two frameworks. Therefore, the aim of this research is to answer the question: What is the difference between the theory of unpredictability and force majeure in Iranian law and Imamia jurisprudence? The results of the research show that the essential elements and conditions for the realization of force majeure and the theory of unpredictability are similar in many cases. However, the distinguishing feature of these two concepts is that the theory of unpredictability only makes the execution of the contract difficult and disrupts its financial balance but does not take away the power to execute the contract from the obligor; while in force majeure, the execution of the contract becomes impossible. In terms of effects, force majeure results in the termination or suspension of the obligation, while the effect of the theory of unpredictability is the adjustment of the contract or the creation of the right of rescission. The research method of this study is descriptive-analytical and based on library studies and the use of works related to the research topic.

**Cite this article:** Ghorbanpour, Amir Mahdi., Ziar, Mohsen. (2025). A Comparative Analysis of the Theory of Unpredictability and Force Majeure in Iranian Law and Imamia Jurisprudence. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 3 (2), 23- 47. http//doi.org/10.22034/lcs.2025.2050373.1085

© The Author(s).

DOI: http//doi.org/10.22034/lcs.2025.2050373.1085

**Publisher:** Ilam University.



Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Comparative Studies on Islamic Countries Law
Print ISSN: 2980-8006 Online ISSN: 2980-8014
Homepage: https://lcs.ilam.ac.ir
Ilam University
Iranian Association of Constitutional Law

# قیاس تطبیقی تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره در چارچوب حقوقی ایران و فقه امامیه

امیرمهدی قربان پور[1] | محسن زیار[2]

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عدالت، تهران ، ایران. رایانامه: ghorbanpoor@gmail.com

۲. دانشجو دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عدالت، تهران ،ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: msnziar@gmail.com

## اطلاعات مقاله

**نوع مقاله:**
مقاله پژوهشی

**تاریخ دریافت:** ۱۴۰۴/۰۱/۱۲
**تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۴/۰۲/۱۸
**تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
**تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

**کلیدواژه‌ها:**
عدم پیش‌بینی،
قوه قاهره،
فورس‌ماژور،
اجرای تعهد.

## چکیده

پس از انعقاد قرارداد و در مرحله اجرای آن، ممکن است شرایطی که بر زمان انعقاد قرارداد حاکم بوده، به‌گونه‌ای تغییر کند که اجرای مفاد قرارداد تحت تأثیر قرار گیرد و گاهی اجرای آن به دلایل مختلف غیرممکن شود. تغییر شرایط حاکم بر زمان انعقاد و اجرای قرارداد، با عناوین مختلفی شناسایی شده که از مهم‌ترین آن‌ها و به‌عنوان مفاهیمی مستقل، تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره است که در فقه امامیه و حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به عدم بررسی مستقل تئوری عدم پیش‌بینی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه، لازم بود تا پژوهشی مستقل به این موضوع پرداخته و آن را با مفهوم قوه قاهره در بستر دو مبنای مذکور مورد تطبیق قرار دهد. بنابراین، هدف پژوهش پاسخ به این سؤال است که تئوری عدم پیش‌بینی با قوه قاهره در حقوق ایران و فقه امامیه چه تفاوتی دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عناصر اساسی و شرایط تحقق قوه قاهره و تئوری عدم پیش‌بینی در بسیاری از موارد مشابه است. اما وجه تمایز این دو نهاد آن است که نظریه عدم پیش‌بینی تنها موجب دشواری در اجرای قرارداد می‌شود و تعادل مالی قرارداد را به هم می‌زند؛ ولی قدرت اجرای قرارداد را از متعهد نمی‌گیرد، درحالی‌که در قوه قاهره، اجرای قرارداد غیرممکن می‌شود. از منظر آثار نیز، قوه قاهره، موجب سقوط یا تعلیق تعهد است، درحالی‌که اثر نظریه عدم پیش‌بینی، تعدیل قرارداد یا ایجاد حق فسخ است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی‌تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از آثار مرتبط با موضوع تحقیق است.

**استناد:** قربان پور، امیرمهدی؛ زیار، محسن (۱۴۰۴). قیاس تطبیقی تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره در چارچوب حقوقی ایران و فقه امامیه. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۳ (۲)، ۴۷-۲۳.
http//doi.org/10.22034/lcs.2025.2050373.1085

**ناشر:** دانشگاه ایلام.

© نویسندگان.



Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



## مقدمه

قرارداد واقعیت اعتباری ناشی از توافق طرفین است (شکری، ۱۴۰۳: ۴۱) و برمبنای اصل حاکمیت اراده، طرفین قرارداد در تعیین نوع عقد و مفاد آن از آزادی برخوردار هستند (باقری و گندمکار، ۱۴۰۲: ۲۹). پیش از آنکه طرفین اقدام به انعقاد قرارداد کنند، شرایط و اوضاع حاکم را بررسی کرده و چون منافعشان را بیشتر از مضار می‌بینند، قرارداد را با اطمینان نسبی از امکان اجرا منعقد می‌کنند. اگر قرارداد بلافاصله پس از انعقاد اجرا شود، احتمال وقوع ضرر برای طرفین کم است. اما اگر اجرای قرارداد نیاز به زمان داشته باشد، ممکن است شرایط تغییر کند و یکی از طرفین دچار ضرر شود تا جایی که اجرای قرارداد غیرممکن شود. گاه شرایط غیرمنتظره باعث نمی‌شود که اجرای قرارداد ناممکن شود، بلکه آن را دشوار می‌کند. این تغییرات گاهی به علت حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر رخ می‌دهد و می‌تواند ضرری غیرمعمول به طرفین تحمیل کند. برخی از فقها و حقوق‌دانان اعتقاد دارند که اصل لزوم قراردادها تأسیس شرعی نیست و شارع صرفاً قصد طرفین را تأیید کرده است و این لزوم مطلق نیست و منوط به امکان اجرای قرارداد است. بنابراین، در صورت عدم امکان اجرا، الزام به انجام آن ازنظر عقلی غیرممکن است. بر اساس نظر برخی حقوق‌دانان، اگر اجرای تعهد عرفا و عادتاً غیرممکن باشد، آن تعهد باطل است و قرارداد مربوطه فاقد اعتبار است، حتی اگر ازنظر عقلی محال نباشد (شهیدی، ۱۳۸۶: ۳۲). همچنین در صورت دشواری اجرای قرارداد بر اثر حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر، قانون‌گذار ایران، با پذیرش اثر انحلال قرارداد در موارد خاص و تعدیل آن، حکم به اجرای تعهدات مذکور می‌دهد. به‌علاوه اگر انجام تعهد موقتاً دشوار باشد، دادگاه به‌شرط عدم تضرر متعهدله، حکم به اجرای قرارداد می‌دهد (صیدانلو، ۱۳۹۸: ۲).

در حقوق تعهدات، تحول در اوضاع‌واحوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد، با عناوین مختلفی مانند تغییر شرایط و اوضاع‌واحوال عقد، غیرممکن شدن قرارداد، سختی اجرای قرارداد و... شناسایی شده که از مهم‌ترین آن‌ها و به‌عنوان مفاهیمی مستقل، تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره است. این پژوهش به تحلیل دو مفهوم اخیر در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می‌پردازد و شرایط تحقق و مبانی فقهی و حقوقی آن‌ها را بررسی می‌کند. در تبیین تئوری عدم پیش‌بینی باید گفت که الزام متعهد به انجام تعهدات قراردادی مستلزم وجود شرایط خاصی است که در صورت عدم وجود یکی از آن‌ها، الزام متعهد غیرممکن خواهد بود. یکی از این شرایط آن است که تغییرات و سخت‌تر شدن شرایط اجرای تعهد باید به هنگام تشکیل قرارداد برای متعهد قابل پیش‌بینی باشد و در صورت عدم پیش‌بینی غیرمتعارف، متعهد الزام به اجرای تعهد نخواهد داشت، زیرا بر اساس اصل حاکمیت اراده در اعمال حقوقی و قاعده فقهی تبعیت عقد از قصد، هیچ‌کس نمی‌تواند به بیش از آنچه اراده کرده است، ملزم شود. همچنین، مفهوم دیگری که در فقه و حقوق مطرح است، قوه قاهره یا فورس‌ماژور است.

قوه قاهره نیرویی است خارج از اراده متعهد که اجرای تعهد را غیرممکن ساخته و مسئولیت را از متعهد سلب می‌کند. برای سلب مسئولیت متعهد در صورت وقوع مانع، باید سه شرط وجود داشته باشد:۱. متعهد قادر به دفع مانع نباشد؛ ۲. وجود مانع موقتی نباشد؛۳. حادثه باید خارجی باشد. این پژوهش به بررسی تئوری عدم پیش‌بینی در اجرای تعهدات و مقایسه آن با قوه قاهره در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می‌پردازد تا مبانی و شرایط تحقق این دو مفهوم و تفاوت‌های آن‌ها روشن شود. با بررسی سوابق مرتبط با پژوهش، موضوع تحت عنوان تعذر در اجرای قرارداد، تغییر شرایط و اوضاع‌واحوال و مشقت در اجرای قرارداد بحث شده است، لیکن پیرامون آن، تقریباً پیشینهٔ تحقیقی منطبقی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



وجود ندارد. این مسئله و نیز عدم طرح بخشی از موضوع به‌صورت مفصل در منابع فقهی، یکی از مشکلات پیش‌رو در انجام این پژوهش به حساب می‌آید. بااین‌حال، می‌توان از پژوهش‌های زیر به‌عنوان پیشینهٔ تحقیق نام برد: ۱. پایان‌نامه «تأثیر قوه قاهره بر تعهدات» (۱۳۶۷، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی): این پژوهش به بررسی تأثیر حوادث خارجی و غیرقابل پیش‌بینی بر تعهدات پرداخته و مصادیق قوه قاهره را بررسی کرده است. همچنین تأثیر قوه قاهره بر قراردادهای اقتصادی بین‌المللی و مسئولیت متعهد در قبال این حوادث مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۲. رساله دکتری «قوه قاهره (مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران و آراء و تصمیمات دیوان داوری دعاوی ایران–ایالات متحده)» (۱۳۷۸، دانشگاه تربیت مدرس): این پژوهش درصدد بیان تعریف، قلمرو، شرایط و آثار قوه قاهره بوده و آن را از نهادهای مشابه، مانند نظریه تأثیر تغییر اوضاع‌واحوال بر قراردادها و نظریه انتقادی قرار داد یا هدف آن، تفکیک می‌کند؛ ۳. پایان‌نامه «تأثیر قوه قاهره بر تعهدات مالی دولت در مقابل اشخاص» (۱۳۹۸، دانشکده اصول‌الدین مرکز قم): این پژوهش به بررسی تأثیر قوه قاهره بر تعهدات مالی دولت در مقابل اشخاص پرداخته است. در این پژوهش، تقسیم‌بندی اشخاص و بررسی انواع قراردادها صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که تغییر اوضاع‌واحوال و شرایط فورس‌ماژور می‌تواند منجر به رفع مسئولیت و عدم انجام تعهدات دولت شود؛ ۴. پایان‌نامه «شیوع ویروس کرونا و تأثیر بر تعهدات قراردادی» (۱۴۰۰، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه): این پژوهش به بررسی تأثیر شیوع ویروس کرونا بر تعهدات قراردادی در حقوق ایران و عراق پرداخته و نقش قاضی در تعدیل و تفسیر قراردادها در شرایط بحرانی مورد بررسی قرار گرفته است. این پیشینه‌ها نشان‌دهنده کمبود تحقیقات جامع در مورد بررسی دقیق و مقایسه‌ای تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره از منظر حقوق ایران و فقه امامیه است و ضرورت تحقیق حاضر و نوآورانه بودن آن را برجسته می‌کنند.

اهمیت و ضرورت این تحقیق از چند جنبه قابل بررسی است: ۱. پیشینه تحقیقاتی محدود: تاکنون تئوری عدم پیش‌بینی به‌صورت مجزا و مفصل از منظر حقوق ایران و فقه امامیه بررسی نشده است. این کمبود نیاز به پژوهشی مستقل و جامع را نشان می‌دهد؛ ۲. مقایسه مفاهیم حقوقی: این پژوهش امکان مقایسه و تفکیک وجوه تشخیص تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره را فراهم می‌کند. این امر به درک بهتر و دقیق‌تر این مفاهیم کمک می‌کند؛ ۳. توسعه دانش حقوقی: این تحقیق با تحلیل مفاهیم حقوقی و فقهی مرتبط، به توسعه و گسترش دانش حقوقی در این زمینه می‌پردازد و می‌تواند به متخصصان حقوقی در تفسیر و اعمال قوانین کمک کند؛ ۴. حل مسائل عملی: با روشن شدن مبانی و شرایط تحقق این دو مفهوم، حقوق‌دانان و قضات قادر خواهند بود تا در پرونده‌های عملی از نتایج این تحقیق استفاده کرده و تصمیمات منصفانه‌تری اتخاذ کنند. به‌طور خلاصه، این تحقیق می‌تواند به پر کردن خلأ موجود در دانش حقوقی کمک کرده و به بهبود عملکرد سیستم حقوقی در موارد مرتبط منجر شود. هدف کلی پژوهش شناخت مفهومی و نظری تئوری عدم پیش‌بینی در اجرای تعهدات و قوه قاهره از منظر حقوق ایران و فقه امامیه، به‌منظور ارائه راهنمایی روشن برای پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه بوده و اهداف جزئی آن تبیین مصادیق و موارد مشکوک در مقام عمل و در اختلافات، به‌منظور تسهیل تصمیم‌گیری صحیح و شایسته توسط کاربران این حوزه است.

سؤال اصلی پژوهش آن است که تئوری عدم پیش‌بینی با قوه قاهره در حقوق ایران و فقه امامیه چه تفاوتی دارد؟ و سؤالات فرعی پژوهش به این نحو است که مفهوم عدم پیش‌بینی در حقوق ایران چیست و این مفهوم در

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



فقـه امامیـه تحـت چـه عنوانـی مطـرح شـده اسـت؟ و شـرایط اعمـال مقـررات مربـوط بـه قـوه قاهـره از منظـر حقوق‌دانـان ایـران و فقهـای امامیـه کـدام اسـت؟ فرضیـه تحقیـق آن اسـت کـه در صـورت غیرممکـن شـدن اجـرای قـرارداد و وقـوع شـرایط غیرقابل‌پیش‌بینـی و غیرقابـل اجتنـاب منجـر بـه عـدم امـکان اجـرای تعهـدات، طرفیـن از انجـام تعهـد خـود معـاف هسـتند؛ امـا اگـر اجـرای قـرارداد بـار سـنگین‌تری از مدنظـر طرفیـن را تحمیـل کنـد و ایـن دگرگونـی بـه هنـگام تشـکیل قـرارداد قابـل پیش‌بینـی بـوده باشـد، طرفیـن ملـزم بـه اجـرای تعهـدات خـود هسـتند. همچنیـن، بـر اسـاس قاعـده فقهـی تبعیـت عقـد از قصـد «العقـود تابعـة للقصـود»، هیچ‌کـس را نمی‌تـوان بـه بیـش از آنچـه اراده کـرده اسـت، ملـزم دانسـت؛ بایـد در نظـر داشـت کـه اعمـال مقـررات مربـوط بـه قـوه قاهـره بایـد بـه نحـوی باشـد کـه متعهـد قـادر بـه دفـع آن نبـوده و وجـود مانـع موقتـی نباشـد. روش تحقیـق در ایـن پژوهـش توصیفی‌تحلیلـی اسـت و از مطالعـات کتابخانـه‌ای اسـتفاده می‌کنـد. پژوهـش از طریـق بهره‌گیـری از کتاب‌هـا و مقـالات در دسـترس و مرتبـط بـا موضـوع انجـام می‌گیـرد.

## ۱ نظریه عدم پیش‌بینی

بـرای درک بهتـر موضـوع، ابتدائـاً نظریـه عـدم پیش‌بینـی از منظـر حقوقـی و فقهـی، تحلیـل و پـس از آن شـرایط تحقـق و مبانـی آن را در حقـوق ایـران و فقـه امامیـه تبییـن می‌گـردد.

### ۱-۱. معانی لغوی و اصطلاحی عدم پیش‌بینی

معنـای لغـوی پیش‌بینـی، دوراندیشـی و احتیـاط اسـت (دهخـدا،۱۳۷۲، ج ۲: ۴۱۶؛ معیـن،۱۳۸۷: ۲۹۴؛ عمیـد،۱۳۷۷: ۳۲۳) و تفاوت‌هایـی بـا پیش‌گویـی دارد (باغبانـی نجف‌آبـاد، ۱۳۹۷: ۱۷). پیش‌بینـی برمبنـای تجربیـات و دانسته‌هاسـت، درحالی‌کـه پیش‌گویـی ممکـن اسـت بـه مـوارد غیرمنتظـره اشـاره کنـد (شـهرجردی،۱۳۹۲: ۸). پیش‌بینـی بـه معنـای اصطلاحـی، اسـتنتاجی از گذشـته بـه آینـده اسـت و تجسـم موقعیتـی در آینـده بـر اسـاس اطلاعـات گذشـته اسـت (ملکیفـر،۱۳۹۲: ۳). در قراردادهـا، تغییـرات غیرقابل‌پیش‌بینـی ممکـن اسـت منجـر بـه ضـرر نامتعـارف شـود و نظریـه عـدم پیش‌بینـی بـه قاضـی اجـازه می‌دهـد تـا نابرابری‌هـای ایجـاد شـده را تعدیـل کنـد (بیگدلـی،۱۳۸۶: ۲۹).

### ۱-۲. پیشینه تاریخی نظریه عدم پیش‌بینی

نظام‌هـای حقوقـی در ابتـدا، نسـبت بـه تعهـدات قـراردادی بسـیار سـخت‌گیر بودنـد و هیـچ عـذری را نمی‌پذیرفتنـد؛ امـا در صـورت نیـاز بـه اجـرای طولانی‌مـدت قراردادهـا، تغییـرات در اوضاع‌واحـوال ممکـن اسـت اجـرای تعهـدات را دشـوار یـا ناممکـن سـازد و تعـادل اقتصـادی قـرارداد را بـه هـم بزنـد. لـذا نظریـه عـدم پیش‌بینـی به‌عنـوان اسـتثنایی بـر اصـل الـزام‌آور بـودن قـرارداد پذیرفتـه شـد (بیگدلـی،۱۳۸۶: ۲۹). نظام‌هـای حقوقـی مختلـف برخوردهـای متفاوتـی بـا تغییـر اوضاع‌واحـوال حاکـم بـر قـرارداد دارنـد. برخـی پایبنـدی بـه اصـل الـزام‌آور بـودن قـرارداد را مدنظـر قـرار می‌دهنـد و هرگونـه تغییـر در تعهـدات را مـردود می‌داننـد، درحالی‌کـه دیگـران راه‌حل‌هـای انحـلال یـا تعدیـل قـرارداد را می‌پذیرنـد (صفایـی،۱۳۸۳: ۱۸۱).

تئـوری عـدم پیش‌بینـی توسـط نویسـندگان حقـوق مدنـی فرانسـه مطـرح شـده و در صـورت تغییـر و سـخت‌تر شـدن شـرایط اجـرای تعهـد، اگـر ایـن تغییـرات غیرقابـل پیش‌بینـی باشـد، متعهـد الـزام بـه اجـرای تعهـد نـدارد و تعهـدات شـخص متعهـد را بـه شـرایط قابـل پیش‌بینـی در زمـان تشـکیل قـرارداد محـدود می‌کنـد. در حقـوق ایـران نیـز می‌تـوان از قاعـده

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



تبعیت عقد از قصد و اصل حاکمیت اراده بهره گرفت (شهیدی،۱۳۸۶: ۶۴). این نظریه از حقوق کلیسا نشئت گرفته است، جایی که حاکمان کلیسا معتقد بودند که هر قرارداد حاوی شرط ضمنی ثبات شرایط اقتصادی است. در صورت تغییر شرایط اقتصادی به‌نحوی‌که تعادل قرارداد به هم بخورد، قرارداد قابل تعدیل است. این نظریه که به قاعده (rebus sic stantibus) معروف است، امروزه نیز در حقوق داخلی و بین‌المللی مطرح می‌شود و به چالش اصل وفای به عهد می‌پردازد (صادقی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۸).

### ۱-۳. تحلیل حقوقی نظریه عدم پیش‌بینی

نظریه عدم پیش‌بینی به حقوق اجازه می‌دهد پویا باشد و با شرایط جدید جامعه تطبیق یابد. مطابق ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی فرانسه، در صورت تغییر شرایط غیرقابل پیش‌بینی که اجرای قرارداد را بسیار دشوار کند، متعهد می‌تواند درخواست مذاکره مجدد، تعدیل یا فسخ قرارداد را نماید (پاکباز، ۱۴۰۰: ۲۴۵؛ نتاج و همکاران،۱۴۰۰: ۷۴). غیر از فرانسه، کشورهایی مانند آلمان، سوئیس و ایتالیا امکان تجدیدنظر در قراردادها را پذیرفته‌اند (میرشکاری و هراتی، ۱۴۰۱: ۱۷۲) و در بلژیک و مصر نیز قوانینی مشابه وجود دارد که در صورت وقوع حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی، تعهدات قراردادی را تعدیل می‌کنند. هدف این تئوری، حفظ تعادل اقتصادی قرارداد و جلوگیری از بی‌عدالتی است (حسین‌آبادی، ۱۳۷۶: ۱۲۲؛ السنهوری، ۱۳۸۳: ۴۵۶).

تئوری عدم پیش‌بینی در بین حقوق‌دانان موافقین و مخالفینی دارد. طرفداران این تئوری معتقدند که طرفین قرارداد به‌طور ضمنی پذیرفته‌اند که در صورت دگرگونی شرایط، قرارداد قابل فسخ یا تعدیل باشد. مخالفین این نظریه بیان می‌کنند که اگر طرفین چنین قصدی داشتند، باید به‌صراحت آن را بیان می‌کردند و استدلال می‌کنند که پذیرش این نظریه می‌تواند باعث سوءاستفاده و بی‌ثباتی اقتصادی شود. مخالفان نگرانند که این تئوری باعث ایجاد بی‌نظمی اقتصادی و افزایش دعاوی شود، اما موافقان معتقدند که این تئوری به تحقق عدالت و منافع اجتماعی کمک می‌کند و از ورشکستگی طرفین قرارداد جلوگیری می‌نماید (صفایی، ۱۳۸۳: ۴۶؛ نتاج و همکاران،۱۴۰۰: ۷۶).

در حقوق ایران، قانونی خاص برای تئوری عدم پیش‌بینی وجود ندارد، اما شرایط اعمال این تئوری مشابه با شرایط قوه قاهره است. به‌عنوان مثال قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۹، به شرایط قوه قاهره اشاره می‌کند که می‌توان آن را برای تئوری عدم پیش‌بینی نیز به کار برد. نظریه عدم پیش‌بینی از جهاتی با مفهوم فورس‌ماژور شباهت دارد، اما تفاوت‌های مهمی نیز وجود دارد. فورس‌ماژور درصورتی‌که تمام مدت قرارداد را در برگیرد موجب عدم امکان وفا به عهد می‌شود، درحالی‌که در تغییر شرایط، اگرچه دشوار، اما همچنان اجرای قرارداد ممکن است (میرشکاری و هراتی، ۱۴۰۱: ۱۷۳).

### ۱-۴. نظریه عدم پیش‌بینی در رویه قضایی

یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های تبلور این نظریه در حقوق ایران، رویه قضایی است. یکی از مصادیق این تئوری در رویه قضایی، رأی دادگاهی در خصوص تعدیل تعهدات قرارداد پیمانکاری ساخت بزرگراه است. به دلیل افزایش ناگهانی قیمت نفت بر اثر وقوع جنگ افغانستان، هزینه اجرای قرارداد برای شرکت بیش از مبلغ قرارداد شد. دادگاه با استناد به مواد قانونی و اصول حقوقی، حکم به افزایش مبلغ قرارداد و الزام خوانده به پرداخت هزینه‌های تعدیل شده داد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



(حیدری فرد، ۱۳۸۵: ۱۴۱). از طرفی مطابق رأیی در رویه قضایی، افزایش قیمت‌ها به گونهٔ غیرقابل پیش‌بینی، با توجه به قاعدهٔ لاضرر، یک شرط بنایی محسوب و موجب معافیت فرد از مسئولیت می‌شود.[۱] پیرامون این مطلب و در بررسی نمونه آراء قضایی باید گفت، وقوع حادثه‌ای که باعث تأثیرگذاری بر اجرای تعهدات می‌گردد، باید غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد. ازاین‌رو، مطابق رویهٔ قضایی، «تحریم اقتصادی» ازجمله مواردی نیست که بتوان به استناد آن، انجام یا عدم انجام موضوع تعهد را تحت تأثیر قرار داد؛[۲] چراکه کشور سالیان متمادی مورد تحریم قرارگرفته و تمامی تجار و شرکت‌های داخلی و خارجی به این موضوع وقوف کامل داشته و در عرف تجاری، معاملات خویش را بالفعل با نگاه به وضعیت تحریم‌های هوشمند منعقد می‌نمایند، بنابراین توسعه حریم تحریم‌ها در مقاطع زمانی، مسقط تعهدات قراردادی اشخاص نیست.[۳] به‌عبارت‌دیگر، تحریم‌ها ناشی از تغییر اوضاع‌واحوال بوده و صرفاً باعث برهم خوردن موازنه اقتصادی و تغییر در کیفیت اجرای تعهدات می‌گردد.[۴] همچنین است «بروز سرمای شدید در فصل زمستان»، چراکه این امر قابل پیش‌بینی بوده و لذا نمی‌تواند به‌عنوان عذری موجه جهت تأخیر در اجرای مفاد قرارداد تلقی گردد.[۵]

تعدیل قضایی قراردادها به‌صورت صریح در قوانین پیش‌بینی نشده، اما با وحدت ملاک از مواد مختلف قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی، می‌توان آن را به رسمیت شناخت. در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی، تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه می‌تواند مبنای تعدیل قرار گیرد (رجب‌زاده و نیک‌بخت، ۱۳۹۸: ۱۳۷). تعدیل قضایی قرارداد بر اساس تفسیر اراده طرفین یا مقررات قانونی انجام می‌شود و بازگشت آن به تعدیل قراردادی یا قانونی است (قنبری، ۱۳۹۹: ۲۴). این نظریه در قراردادهای پیمانکاری نیز متبلور است. دستورالعمل نحوه تعدیل آحاد بهای پیمان‌ها مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۵ به شماره ۱۰۱/۱۷۳۰۷۳ که توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به‌صورت بخشنامه به دستگاه‌های اجرایی، مشاوران و پیمانکاران ابلاغ شده است، نمونه‌ای از اجرای نظریه عدم پیش‌بینی است. در این دستورالعمل، با توجه به شاخص‌های دوره انجام کار، شاخص مبنای پیمان و مشخص شدن ضرایب آن، هر صورت وضعیت تعدیل می‌گردد.

### ۱-۵. تحلیل فقهی نظریه عدم پیش‌بینی

تعهدات قراردادی در فقه و حقوق اسلامی، به‌سان سایر نظام‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است. اجرای تعهدات، هدف نهایی ایجاد تعهد است و ممکن است اجرای آن با موانعی مانند تعذر اجرای تعهد مواجه شود که ناشی از عواملی مانند دگرگونی شرایط اجرای قرارداد یا تلف شدن موضوع معامله است. اصل لزوم قراردادها اقتضا می‌کند که طرفین به تعهدات خود پایبند باشند، اما قواعدی مثل «لاضرر» و «نفی عسر و حرج» می‌توانند حکم ضرری را رفع کنند. برخی حقوق‌دانان نظریه «غبن حادث» را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، وقوع رویداد نامنتظره تعادل قراردادی را بر هم می‌زند و لزوم را به جواز تبدیل می‌کند (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۶۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۹۴).

---

۱- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۸۱۰۰۰۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۳۱ صادره از شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور.

۲- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۰۴۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران.

۳- دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۴۸۰۱۸۶۱۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ صادره از شعبه ۸۰ دادگاه تجدیدنظراستان تهران.

۴- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۰۵۷۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۷ صادره از شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران.

۵- دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۶۰۱۳۰۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۸ صادره از شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی بخش چهاردانگه.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



در فقه امامیه، نزدیک‌ترین مفهوم به تئوری عدم پیش‌بینی، تعذر اجرای عقد است. قاعده «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» بیان می‌کند که اثر تعذر بر قرارداد، بطلان است. تعذر اجرای قرارداد می‌تواند موجب بطلان، انفساخ یا جعل خیار برای متعهدله شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۳۲)؛ این مفهوم در فقه امامیه به‌طور پراکنده مورد بررسی قرار گرفته و یکی از قواعد عمومی قراردادها در فقه اسلامی است.

فقهای امامیه نظریه تعذر را در تمامی عقود مورد بررسی قرار داده‌اند و در مباحث مختلفی مانند بیع و اجاره تحت عنوان «تعذر تسلیم» مطرح کرده‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۲۵). عدم قدرت بر تسلیم ابتدایی را باعث بطلان عقد دانسته‌اند (خویی، بی‌تا، ج ۵: ۲۵۶) که از این عدم امکان تسلیم تحت عنوان «عذر اصلی» یاد می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۸۸۱)؛ اما چنانچه پس از انعقاد عقد، شرایطی حادث شود که تسلیم عین یا منفعت متعذر شود، خواه به دلیل عدم قدرت مالک بر تسلیم عوض یا به دلیل از بین رفتن موضوع عقد، در این حالت عقد منفسخ می‌گردد. عذری که پس از انعقاد عقد حادث می‌شود، «عذر طاری» نام گرفته است. در بیع سلم نیز برخی فقها با توجه به عوامل خارجی که باعث از بین رفتن موضوع قرارداد و تعذر وفای به عهد می‌شود، بحث کرده‌اند و این عوامل را با عناوینی مانند آفه من الله، آفه سماوی او ارضی نام برده‌اند (کلیشادی، ۱۳۸۷: ۲۰).

به‌طور مصداقی، جایگاه سنتی این بحث در فقه عامه و شیعه، عقد اجاره است؛ زیرا تغییر اوضاع‌واحوال غالباً در قراردادهای با اجرای طولانی‌مدت امکان وقوع داشته و مصداق سنتی چنین عقدی نیز اجاره بوده است. مطابق مذهب حنفی، اجاره به علت عذر منفسخ می‌شود؛ زیرا اگر عقد در این صورت الزام‌آور تلقی شود، دارنده عذر ضرری را متحمل خواهد شد که بر اساس عقد به آن رضایت نداده است. در فقه شیعه نیز ردپای پذیرش این نظریه کاملاً نمایان است، به‌طوری‌که در پاسخ به سؤالی درباره کاهش آب زمین اجاره‌ای و ضرر مستأجر، پاسخ داده شده که مستأجر حق فسخ دارد و این مقتضای نفی ضرر و حرج است (کلیشادی، ۱۳۸۷: ۳۷). مفاهیم مذکور از نزدیک‌ترین معانی به مفهوم قابلیت پیش‌بینی است. این مفهوم در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه دارای شرایطی جهت تحقق است و به لحاظ مبنایی دارای برخی از مبانی است که به آن اشاره خواهد شد.

### ۱-۶. شرایط تحقق عدم پیش‌بینی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

برای شناخت بهتر نظریه عدم پیش‌بینی، باید شرایط تحقق آن در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه بررسی گردد. در نظام حقوقی ایران، شرایطی برای تحقق نظریه عدم پیش‌بینی در نظر گرفته شده است؛ حادثه باید در قرارداد پیش‌بینی نشده باشد. اگر طرفین قرارداد وقوع حادثه را پیش‌بینی کرده باشند و حادثه موجب افزایش هزینه اجرای تعهد شود، نمی‌توان به استناد آن، قرارداد را تعدیل کرد و باید پایبند به آنچه قصد کرده‌اند، باشند (حسین‌آبادی، ۱۳۷۶: ۱۲۴). حادثه‌ای که غیرقابل‌پیش‌بینی باشد، باید برای یک شخص متعارف غیرقابل‌پیش‌بینی تلقی شود که وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد (مزرئی، ۱۳۹۵: ۱۶). هنگامی که طرفین قرارداد به‌صورت شخصی قادر به پیش‌بینی حوادثی باشند که ممکن است منجر به غیرممکن شدن اجرای تعهد شوند، موظفاند تدابیر لازم جهت مصون ماندن از نتایج آن‌ها را مدنظر بگیرند یا از انعقاد قرارداد پرهیز کنند. همچنین حادثه باید غیرقابل اجتناب باشد، یعنی متعهد نتواند در مقابل آن مقاومت کند و تمام تلاش خود را برای دفع حادثه به کار گیرد (امامی، ۱۳۶۴: ۲۴۱). یکی از موارد تجلی این تئوری در مواردی مثل افزایش غیرمتعارف هزینه اجرای تعهد و دگرگونی توازن مالی عوضین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



است که باعث می‌شود متعهد با هزینه بسیار گزاف تعهد را انجام دهد و اثبات این رابطه علیت بر دوش متعهد است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). حادثه نباید وصف فورس‌ماژور را داشته باشد. حادثه پیش‌بینی نشده نباید اجرای تعهد قراردادی را محال کند؛ زیرا در این صورت حادثه فورس‌ماژور محسوب می‌شود. تفاوت حادثه پیش‌بینی نشده و فورس‌ماژور در اثر آن‌ها بر تعهدات قرارداد است (فروزان مفرد، ۱۳۹۱: ۸۴). اگر متعهد مسئولیت خطر ناشی از حادثه را پذیرفته باشد، نمی‌تواند به حادثه استناد کند تا از تعهد معاف شود. بر اساس اصل آزادی قراردادها، افراد در انعقاد قراردادهایشان اختیار دارند و ممکن است متعهد مسئولیت خطرات احتمالی را بپذیرد. در این صورت، اگر حادثه‌ای خارجی منجر به سخت شدن فوق‌العاده قرارداد شود، نمی‌توان جهت معافیت از تعهد به آن استناد کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۲۱).

در فقه امامیه نیز شرایطی برای تحقق نظریه عدم پیش‌بینی در نظر گرفته شده است، از آن جمله عدم دخالت متعهد است به این معنا که تعذر عارض شده نباید نتیجه اقدام خود متعهد باشد (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۲۴). در غیر این صورت، متعهد همچنان مسئول عدم اجرای قرارداد خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۴؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۶۰). فقهای امامیه نیز حوادث طاری بعد از عقد را مشروط به اینکه منتسب به طرفین نباشد، پذیرفته‌اند (کلیشادی، ۱۳۸۷: ۱۰۵). حادثه‌ای که موجب تعذر اجرای قرارداد می‌شود، باید رفع نشدنی و غیرقابل مقاومت باشد (شعبانی، ۱۳۸۹: ۱۰۰). اگر متعهد بتواند مانع را رفع کند و اقدامی نکند، مسئول عدم اجرای قرارداد باقی می‌ماند (امامی، ۱۳۶۴: ۲۴۱). اگر متعهد بتواند بر مانع مذکور چیره گردد، لیکن اقدام به چنین کاری ننماید، تعذر اجرا تحقق نمی‌یابد و درنتیجه مشارالیه مسئول عدم ایفای تعهد خویش باقی خواهد ماند (شهیدی، ۱۳۸۴: ۲۱۴). در فقه امامیه نیز حادثه باید اجتناب‌ناپذیر باشد تا متعهد از مسئولیت بری شود (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۷: ۱۸۷؛ انصاری، ۱۴۱۱، ج ۳: ۸۷). حادثه‌ای که موجب تعذر می‌شود باید غیرقابل‌پیش‌بینی باشد. برخی حقوق‌دانان معتقدند که وجود چنین شرطی در حقوق ایران لازم است و با تفسیر موسع ماده ۲۲۱ قانون مدنی می‌توان آن را شرط معافیت متعهد دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۱۸؛ امامی، ۱۳۶۴: ۲۴۲). در فقه امامیه نیز تأکید شده است که کسی که با علم به عدم امکان و پیش‌بینی مانع، تعهدی را پذیرفته است، نمی‌تواند به استناد حدوث مانع از اجرای قرارداد سر باز زند (کلیشادی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). به‌عبارت‌دیگر عدم تطابق اوضاع‌واحوال زمان عقد با زمان اجرا و عدم پیش‌بینی آن، یکی از شرایط تحقق تئوری عدم پیش‌بینی است.

### ۱-۷. مبانی حقوقی و فقهی نظریه عدم پیش‌بینی

در نظام حقوقی ایران، برای نظریه عدم پیش‌بینی مبانی خاصی مورد بررسی واقع شده است که بنای عقلا یکی از آن‌هاست، به این معنا که هرگاه امری مورد پذیرش همه عقلا قرار گیرد، شارع مقدس اسلام نیز آن را می‌پذیرد. بنای عقلا امکان سنجش رفتار منطقی و منصفانه طرفین قرارداد را در برخورد با شرایط غیرمنتظره فراهم می‌کند. مبنای دیگر و البته با تسامح، حسن‌نیت به معنای رفتار منصفانه، صادقانه و مسئولانه طرفین قرارداد است و تضمین می‌کند که طرفین تمام تلاش خود را برای اجرای تعهدات در شرایط غیرمنتظره انجام می‌دهند و از این تئوری به‌عنوان بهانه‌ای برای فرار از تعهدات استفاده نمی‌کنند. حسن‌نیت به حفظ تعادل و انصاف در قراردادها کمک می‌کند و در مواردی که شرایط غیرمنتظره منجر به دشواری اجرای تعهدات می‌شود، به قاضی در اتخاذ تصمیمات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



منصفانه مانند تعدیل یا فسخ قرارداد یاری می‌دهد. همچنین عرف به معنای عاداتی است که به‌تدریج و خودبه‌خود به‌عنوان قاعده و رویه‌ای الزام‌آور میان مردم مرسوم شده است. عرف کمک می‌کند تا تشخیص داده شود که آیا یک حادثه قابل پیش‌بینی بوده یا خیر و به ارزیابی رفتار منطقی و معقول طرفین قرارداد در مواجهه با شرایط غیرمنتظره می‌پردازد. از طرفی به تعیین مسئولیت‌ها و تعهدات طرفین قرارداد و حفظ عدالت و انصاف کمک می‌کند. مبنای دیگر شرط ضمنی ارتکازی است به این معنا که طرفین قرارداد به‌طور ضمنی توافق می‌کنند که در صورت بروز حوادث غیرمترقبه که تعادل و توازن قرارداد را بر هم می‌زند، قرارداد تعدیل یا فسخ شود (صابر سلیمان، ۱۴۰۰: ۷۸-۷۹) و این به‌منظور پیشگیری از ورود ضرر به معنای جلوگیری از تحمل خسارت بیشتر در صورت بروز حوادث غیرمترقبه است که تعادل قرارداد را بر هم می‌زند (جعفرزاده شاهی، ۱۳۹۲: ۳۷).

مبنای دیگر غبن حادث است که به معنای بر هم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد به علت حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی بوده و موجب نابرابری عرفی تعهدات طرفین می‌شود. این نظریه بیان می‌کند که اگر تغییر اوضاع‌واحوال زمان اجرای قرارداد به نابرابری منجر شود، می‌توان به استناد آن قرارداد را تعدیل یا فسخ کرد (بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). برخی حقوق‌دانان معتقدند که موازنه اقتصادی قرارداد نباید بر هم بخورد و تغییرات اساسی اوضاع‌واحوال باید به نحوی باشد که تعادل قرارداد را به‌طور قابل توجهی بر هم بزند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۵۶). مخالفان نظریه غبن حادث بیان می‌کنند که غبن ناظر به نابرابری اقتصادی در زمان انعقاد قرارداد است و نهاد غبن ظرفیت لازم برای توجیه فسخ قرارداد در زمان اجرا را ندارد (شفائی، ۱۳۷۶: ۱۰۴). طرفداران مبنای غبن حادث پاسخ می‌دهند که مبنای خیار غبن جلوگیری از ضرر ناشی از عدم تعادل ایجاد شده است و قاعده لاضرر این ظرفیت را دارد که هر ضرر نارواییی را دفع کند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۳۷). برخی از فقها معتقدند که مبنای خیار غبن جلوگیری از اکل مال به باطل است و برابری ارزش عوضین باید حتی به‌صورت ضمنی در قرارداد لحاظ شود (علامه حلی، بی‌تا: ۵۵۲).

در فقه امامیه نیز برای تئوری عدم پیش‌بینی چند مبنا قابل ذکر است؛ قاعده لاضرر یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود. این قاعده به معنای عدم مشروعیت ضرر در اسلام است. مهم‌ترین دلیل برای نفی ضرر، عقل و بنای عقلا است (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۵۱). چنانچه واقعه‌ای پیش‌بینی‌نشده در اجرای تعهدات محقق گردد، مطابق قاعده فقهی لاضرر، هیچ‌کس را نمی‌توان ملزم به اجرای تعهدی دانست که موجب ایراد ضرر به وی گردد. مبنای دیگر، قاعده تبعیت عقد از قصد است به این معنا که اراده انشایی طرفین که به‌صورت ایجاب و قبول تبلور می‌یابد، علت اصلی تحقق عقد است و آثار حقوقی ناشی از عقد نیز مبتنی بر اراده طرفین است (مرادخانی و شمس، ۱۳۹۱: ۵۶). مطابق قاعده فقهی تبعیت عقد از قصد، هیچ‌کس را نمی‌توان به بیش از آنچه اراده کرده است، ملزم دانست. مبنای دیگر قاعده «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه» است که بیان می‌کند وقتی طرفین پس از انعقاد عقد نتوانند به مفاد آن وفا کنند، عقد به علت تعذر و عدم امکان وفا به عهد باطل می‌شود. بطلان عقدی که وفا به مدلول آن متعذر است به روش‌های مختلفی توجیه می‌شود که تکلیف مالا یطاق و لزوم غرر از آن دسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱۴۱-۱۴۲). به‌این‌ترتیب، چنانچه واقعه‌ای پیش‌بینی نشده در اجرای تعهدات محقق گردد، مطابق قاعده فقهی تعذر وفا به مدلول عقد، نمی‌توان کسی را ملزم به ایفای تعهدی دانست که مدلول آن به‌واسطه حادثه متعذر شده باشد. آخرین مبنا، قاعده نفی عسر و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



حرج بوده که بیان می‌کند تغییر اوضاع‌واحوال ممکن است مصداق عسر و حرج باشد و این قاعده لزوم قرارداد را که حکم حرجی است برمی‌دارد. متعهدی که دچار مشقت شدید در اجرای تعهد می‌شود، می‌تواند قرارداد را فسخ کند (صفایی، ۱۳۸۳: ۱۸۳). برخی معتقدند که قاعده نفی عسر و حرج فقط لزوم عقد را برمی‌دارد و قاضی برای تعدیل قرارداد نیاز به قاعده دیگری دارد (نائینی، ۱۳۵۸: ۲۳۱). به نظر می‌رسد که قاعده نفی عسر و حرج برای از میان برداشتن تکالیف سخت و نامتعارف مکلفین وضع شده و مکلف باید سعی کند وضعیت مشقت‌بار را برطرف کند و تنها در صورت امکان‌پذیر نبودن رفع مشقت، می‌تواند از این قاعده استفاده کند (محقق داماد، ۱۳۹۸: ۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۹۶).

## ۲. قوه قاهره

پس از تبیین تفصیلی نظریه عدم پیش‌بینی، قوه قاهره از منظر حقوقی و فقهی تحلیل و سپس شرایط تحقق و مبانی آن را در حقوق ایران و فقه امامیه مورد تدقیق قرار خواهد گرفت.

### ۲-۱. معانی لغوی و اصطلاحی قوه قاهره

قوه به معانی مختلفی ازجمله قدرت، انرژی، آمادگی ذهنی و استعداد اشاره دارد (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه) این واژه به معنای نیرو در مقابل ضعف و ناتوانی استفاده می‌شود و در اصطلاحات فلسفی نیز در مقابل فعلیت به کار می‌رود (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۸: ۵۵۲). واژهٔ قهر نیز به معنای غلبه و چیره شدن نیروی بالاتر است (فیومی، بی‌تا، ج ۲: ۵۱۸؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۶۴). در حقوق فرانسه، اصطلاح فورس‌ماژور یا قوه قاهره به کار رفته و دارای دو معنی عام و خاص است. فورس‌ماژور به معنی عام، هر حادثه خارجی غیرقابل‌پیش‌بینی و اجتناب است که مانع اجرای تعهد شود. به معنی خاص، حادثه‌ای ناشی از نیروهای طبیعی با ویژگی‌های مذکور است (آقایی، ۱۳۸۵: ذیل واژه). فرهنگ حقوقی بلک «Act Of God» را حوادثی می‌داند که منحصراً به‌وسیلهٔ قوای طبیعی و بدون دخالت انسان رخ می‌دهد (Black, 1968: 645).

### ۲-۲. تحلیل حقوقی قوه قاهره

به‌طورکلی، قوه قاهره حادثه‌ای است که نمی‌توان آن را به متعهد مربوط نمود. این حادثه می‌تواند ناشی از عوامل برونی یا جدا از متعهد باشد. قوه قاهره در حقوق عرفی به‌عنوان «انتفای قرارداد» یا «عدم امکان» مطرح می‌گردد (رضایی، ۱۳۹۴: ۷۲). قوه قاهره تنها در حقوق خصوصی و روابط قراردادی مطرح نیست و دامنه تأثیر آن به حقوق عمومی و بین‌الملل نیز کشیده شده است (بهشتی، ۱۳۹۱: ۸). در حقوق ایران نیز، این مفهوم با نام‌هایی مانند قوه قهریه یا قوه قاهره وارد قوانین شده و با حادثه غیرمترقبه یکسان در نظر گرفته می‌شود و در سه خصوصیت غیرقابل‌پیش‌بینی بودن، غیرقابل پیش‌گیری بودن و غیرممکن ساختن اجرای تعهد مشترک هستند (نظری، ۱۴۰۰: ۱۴). ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی ایران به مفاهیم مشابه اشاره دارد، اما از عبارت قوه قاهره استفاده نمی‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۲۹۰). بر اساس ماده ۲۲۹ قانون مدنی ایران، اگر متعهد به‌واسطه حادثه‌ای که رفع آن خارج از اقتدار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



اوست نتواند تعهد خود را انجام دهد، محکوم‌به تأدیه خسارت نخواهد بود. قوه قاهره می‌تواند ناشی از طبیعت یا فعل اشخاص باشد و وقوع آن باید پس از انعقاد قرارداد باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۰).

در حقوق فرانسه، دو راه‌حل برای متعهدی که قادر به تسلیم مورد تعهد نیست، پیش‌بینی شده است: اثبات تلف مورد معامله یا وقوع قوّه قاهره (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۰۴). منظور از علت بیگانه و غیرقابل انتساب به متعهد، علتی است که از اراده متعهد ناشی نشده باشد. به‌این‌ترتیب، هر مانعی که دفع آن خارج از حوزه پیش‌بینی متعهد باشد، متعهد را از مسئولیت عدم انجام تعهد آزاد می‌کند. در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ نیز، متعهد باید اثبات کند که تخلف ناشی از مانعی خارج از توان او بوده است که عرفاً نمی‌توان پیش‌بینی آن را به‌وسیله او انتظار داشت (شهیدی، ۱۳۸۶: ۲۳۱). اثر اصلی قوه قهریه این است که قرارداد مواجه شده با آن، منفسخ می‌شود و تعهد ساقط می‌شود. اثبات تحقق قوه قهریه به عهده مدعی آن است (نادرعلی، ۱۳۹۶: ۱۴).

## ۲-۳. تحلیل فقهی قوه قاهره

فقه اسلامی، به‌ویژه فقه امامیه، به موضوع قوه قاهره و تأثیر آن در تعهدات توجه کرده است، اما نه لزوماً با همین عنوان و به‌صورت منسجم. این موضوع تحت عناوینی مانند آفت من الله، آفت سماوی (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳: ۱۵۷)، حدوث مانع، تلف و اتلاف (خویی، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۷؛ روحانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۲۹)، حوادث طبیعی یا قهری (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶: ۲۸۱)، دخالت اجنبی، تعذر وفای به عقد و تلف مبیع قبل از قبض (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳: ۱۵۷) در کلمات فقها مطرح شده است.

فقهای اسلامی به هنگام بحث از لزوم و چگونگی اجرای عقود مختلف و آنچه موجب انحلال یا بطلان عقد و رفع مسئولیت متعهد می‌شود، به حوادث آسمانی و زمینی اشاره کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱: ۳۰۲؛ آل‌بحرالعلوم، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۶۱). قاعده «بطلان کل عقد بتعذر وفاء بمضمونه» که ادعای اجماع نیز بر آن شده است، بیان می‌کند که اگر وفای به عهد به سببی متعذر گردد، عقد باطل است و اجرای مفاد آن لازم نیست (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۲۶). این قاعده شامل تمام مواردی است که بطلان یا فسخ عقد در اثر تعذر دائم وفا به مدلول عقد است. این امر ناشی از فقدان قدرت بر تسلیم کردن موضوع عقد یا تلف شدن موضوع آن می‌تواند باشد؛ بنابراین، معادل تعذر ممتنع بودن است که در ماده ۲۴۰ قانون مدنی به کار رفته است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۳۷، ج ۱: ۸۸۱). فقها از مفهوم عام قوه قاهره پیروی کرده‌اند و علاوه‌بر قاعده مذکور، حالت اشخاص ثالث یا عذر مربوط به شخص متعهد را نیز در حکم قوه قاهره و باعث انفساخ عقد دانسته‌اند. حوادثی مانند بیماری اجیر یا به سرقت رفتن کالای فروخته شده قبل از قبض ازجمله نمونه‌های این مفهوم است (طاهری، ۱۳۹۲: ۳۰).

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان گفت که قوه قاهره حادثه‌ای خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب است که در تعهدات قراردادی موجب عدم امکان ایفای تعهد و متعاقباً رفع مسئولیت متعهد می‌شود و در الزامات خارج از قرارداد، رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر و زیان وارده را نفی می‌کند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



### ۲-۴. شرایط تحقق قوه قاهره در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه

برای اشراف به قوه قاهره، باید شرایط تحقق آن در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه بررسی شود. یکی از شرایط تحقق قوه قاهره، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن واقعه است. به این معنا که نمی‌توان از طرف قرارداد انتظار داشت در زمان انعقاد قرارداد، وقوع حادثه و اثر آن بر توانایی اجرای تعهد را پیش‌بینی کند. حادثه‌ای که به‌طور معقول قابل پیش‌بینی نباشد، در قلمرو تراضی قرارداد قرار نمی‌گیرد و نمی‌تواند موجب تزلزل در اعتبار عقد شود (اسماعیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). این شرط را می‌توان بر اساس ماده ۲۲۷ قانون مدنی تفسیر کرد. اگر حادثه‌ای به‌طور متعارف قابل پیش‌بینی نباشد، متعهد را نمی‌توان خطاکار دانست. مبنای قابل پیش‌بینی بودن حادثه، عرف است و باید جزو اموری باشد که به نوعی غیرقابل‌پیش‌بینی بوده است (صالحی، ۱۴۰۰: ۴۵). قابل پیش‌بینی بودن حادثه بدین‌معنا نیست که احتمال وقوع آن صفر باشد، بلکه منظور این است که علت خاصی برای پیش آمدن حادثه وجود نداشته باشد و وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد. حتی اگر حادثه درگذشته نیز رخ داده باشد، نمی‌توان آن را قابل پیش‌بینی دانست (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۲۰؛ بهادر و راستگوی مشهور، ۱۳۹۷: ۵۵). در حقوق فرانسه و مصر، نیز حادثه‌ای فورس‌ماژور تلقی می‌شود که در زمان عقد قرارداد غیرقابل پیش‌بینی بوده باشد (السنهوری، ۱۹۹۸، ج ۲: ۹۹۶). البته در برخی موارد، قضات اهمیت کمتری به قابل پیش‌بینی بودن حادثه فورس‌ماژور داده‌اند و این شرط را فاقد اهمیت دانسته‌اند (صفایی، ۱۳۸۶: ۴۰۲).

برای تحقق قوه قاهره، حادثه‌ای که باعث عدم امکان اجرای تعهد می‌شود باید غیرقابل پیش‌گیری باشد. این شرط از اساسی‌ترین شروط لازم برای تحقق قوه قاهره است و نشان‌دهنده این است که متعهد امکان مقابله با حادثه زیان‌بار را نداشته است. معنای دیگر این شرط آن است که متعهد باید تمام تلاش خود را برای دفع و اجتناب از وقوع حادثه به کار ببندد (السنهوری، ۱۹۹۸، ج ۲: ۹۶۴). مطابق مفهوم ماده ۲۲۹ قانون مدنی ایران، اگر متعهد بتواند مانع را دفع کند، ولی اقدامی نکند، مسئول عدم اجرای تعهد باقی می‌ماند و نمی‌تواند از امتیازات قانونی بهره‌مند شود (امامی، ۱۳۶۴: ۲۴۱). در برخی نظام‌های حقوقی مانند ایران، معیار ناتوانی در انجام و دفع حادثه نوعی است و حادثه‌ای قوه قاهره تلقی می‌شود که باعث عدم اجرا برای همگان باشد، نه‌فقط برای متعهد (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۱۹). یکی دیگر از شرایط تحقق قوه قاهره، خارجی بودن حادثه است. مطابق نظر حقوق‌دانان و مستفاد از ماده ۲۲۷ قانون مدنی ایران، حادثه باید خارج از حوزه فعالیت، انتفاع و اراده متعهد بوده و در صورت فقدان این شرایط، چنین واقعه‌ای قوه قاهره محسوب نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۰۷). ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه نیز با عبارت «علت خارجی که قابل انتساب به متعهد نباشد» به این مفهوم اشاره دارد (صفایی، ۱۳۶۴: ۱۱۵).

یکی دیگر از شرایط تحقق قوه قاهره، دائمی بودن حادثه است. در حقوق ایران به‌سان حقوق فرانسه و آلمان، حادثه باید غیرموقتی بوده و درصورتی‌که مانع موقتی باشد، تعهد از بین نمی‌رود و متعهد موظف است پس از زوال مانع، تعهد را انجام دهد (شهیدی، ۱۳۸۶: ۶۵). همچنین حادثه‌ای که به‌عنوان قوه قاهره تلقی می‌شود باید خارج از اراده و تقصیر متعهد باشد. اگر وقوع حادثه به علت تقصیر متعهد، حتی تقصیر غیرعمدی، رخ داده باشد، این واقعه قوه قاهره محسوب نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۴: ۲۰۷).

از سوی دیگر، در فقه امامیه نیز به قوه قاهره تحت عناوینی مانند جائحه، امر سماوی، خوف عام، عذر خاص و عذر عام مطرح گردیده است (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۲۹۰). جائحه در فقه اسلامی به معنای حادثه یا بلایی است

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



که به‌طور ناگهانی و غیرقابل‌پیش‌بینی رخ می‌دهد و موجب آسیب یا خسارت می‌شود (علامه حلی، بی‌تا، ج ۵: ۱۶۵). این اصطلاح به‌ویژه در مباحث مرتبط با معاملات و قراردادها استفاده می‌شود و به شرایطی اشاره دارد که خارج از کنترل طرفین قرارداد است و مانع اجرای تعهدات می‌شود، مانند زلزله، سیل، یا سایر بلایای طبیعی. این مفهوم تحت عنوان عذر نیز مورد بررسی قرار گرفته و فقهای امامیه معتقدند که وفا به مدلول عقد واجب است و در صورت تعذر وفا، معامله باطل می‌شود (هوشیار، ۱۳۹۹: ۱۲۲). برای اینکه یک حادثه به‌عنوان قوه قاهره شناخته شود، باید غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرقابل دفع باشد. اگر دفع حادثه ممکن باشد، نمی‌تواند قوه قاهره محسوب شود و اجرای قرارداد باید عملاً غیرممکن شود. در صورت وجود امکان دفع، متعهد باید همه تلاش خود را انجام دهد، در غیر این صورت حسن‌نیت او زیر سؤال می‌رود. همچنین، حادثه نباید قابلیت انتساب به متعهد را داشته باشد و باید خارج از گستره اقتدار او باشد. قوانین حقوقی ایران و اکثر حقوق‌دانان این دیدگاه را تأیید می‌کنند و فقیهان نیز این شرط را معتبر می‌دانند (صالحی، ۱۴۰۰: ۴۱). جبران خسارت زیان‌دیده بر عهده کسی است که مسئول ایجاد آن شده است و معیار ضمان، تعدی و تفریط است. اگر متعهد مرتکب تعدی و تفریط نشده باشد، ضامن تلف یا نقص مالی نخواهد بود، حتی اگر آفت آسمانی یا زمینی باشد (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۱۵). فارغ از موارد فوق، همان‌طور که ذکر شد ترکیبی به‌عنوان قوه قاهره در فقه اسلامی وجود ندارد، لکن حقوق‌دانان ایران که ازنظر علمی مشرف به فقه امامیه هستند در تأملات و بیانات حقوقی خود، با در نظر گرفتن مبانی فقهی، اقدام به بیان شرایط تحقق قوهٔ قاهره نموده‌اند که در این پژوهش تفصیلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۲-۵. مبانی حقوقی و فقهی قوه قاهره

مبانی قوه قاهره در حقوق ایران مورد اشاره قرار گرفته است؛ یکی از این مبانی اراده ضمنی طرفین است، به این معنا که قرارداد برمبنای وضعیت متعارف مورد توافق طرفین قرار گرفته است و متعهد زیان‌دیده اگر می‌توانست شرایط جدید را پیش‌بینی کند، قرارداد را منعقد نمی‌کرد. این نظریه معتقد است که هرگاه قرارداد تابع قصد مشترک دو طرف باشد، تراضی همراه با این شرط ضمنی است که معامله تا زمانی الزام‌آور است که وضعیت متعارف کنونی پابرجا باشد. درنتیجه، رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی مانند جنگ به طرف زیان‌دیده حق می‌دهد که قرارداد را فسخ یا تعدیل کند. مبنای دیگر غبن است که بیان می‌کند در عقود معوض تعادل بین عوضین باید حفظ شود. اگر پس از انعقاد عقد بر اثر عوامل پیش‌بینی نشده، عدم تعادلی ایجاد شود، غبن تحقق می‌یابد و آثار آن ظاهر می‌شود. مخالفان این نظریه می‌گویند که غبن تنها به زمان انعقاد قرارداد توجه دارد و نباید در دشواری‌های مربوط به اجرای قرارداد به کار گرفته شود. برخی حقوق‌دانان قاعده حسن‌نیت را مبنای توجیه قوه قاهره دانسته‌اند. طبق این مبنا، قراردادها باید با حسن‌نیت اجرا شوند و طرفین باید سعی کنند تعهدات به نحو احسن اجرا شوند. اگر اجرای تعهد مشکلات فوق‌العاده و هزینه گزاف داشته باشد و متعهدله اجرای آن را درخواست کند، نمی‌توان او را طلبکاری با حسن‌نیت تلقی کرد. برخی نویسندگان قوه قاهره را برمبنای قاعده انصاف و پرهیز از سوءاستفاده از حق توجیه کرده‌اند. این نظریه می‌گوید که اگر حادثه غیرقابل‌پیش‌بینی سود زیادی برای یکی از طرفین و زیان فوق‌العاده‌ای برای طرف دیگر داشته باشد، حقوق باید از این بی‌عدالتی جلوگیری کند. همچنین اگر اوضاع و احوالی که متعهد در آن

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



باید به تعهد عمل کند، متفاوت از اوضاع و احوالی باشد که به‌وسیله قرارداد به آن متعهد شده است، قرارداد منتفی می‌شود (صابر سلیمان، ۱۴۰۰: ۸۰-۸۳).

در فقه امامیه نیز برای قوه قاهره چند مبنا قابل ذکر است. یکی از مبانی فقهی قوه قاهره، قاعده لاضرر است. این قاعده بیان می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند به اجرای تعهدی ملزم شود که موجب ضرر به وی گردد. بنابراین، اگر حادثه‌ای که ذیل تعریف قوه قاهره بگنجد، در اجرای تعهدات رخ دهد، مطابق قاعده لاضرر، متعهد از اجرای تعهد معاف می‌شود. مبنای دیگر قاعده نفی عسر و حرج است. عسر و حرج به معنای تنگنا و سختی است (سیاح، ۱۳۷۳: ۲۷۴-۱۰۴۹). قاعده نفی عسر و حرج بیان می‌کند که احکام حرجی در اسلام منتفی هستند. مستند این قاعده آیاتی از قرآن کریم است که بیان می‌کنند خداوند هیچ حکم حرجی وضع نمی‌کند و در صورت بروز حرج، حکم ساقط می‌شود (سجادی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴۸۵). بنابراین، اگر متعهد در اثر آفات طبیعی نتواند به تعهد خود عمل کند، تعهد از او ساقط است. قاعده احسان مبنای دیگری است.

احسان به معنای نیکی کردن و تصرف در مال دیگری بدون اذن مالک برای دفع مضرت یا جلب منفعت است. قاعده احسان بیان می‌کند که هرگاه کسی به انگیزه خدمت و نیکوکاری به دیگری خسارت وارد کند، مسئولیتی ندارد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۹۵). این قاعده مستند به آیاتی از قرآن کریم است (سوره الرحمن، آیه ۶۰؛ سوره توبه، آیه ۹۱)؛ بنابراین، اگر فردی با نیت خیر و برای نیکی به دیگران در مال آن‌ها تصرف کند و در اثر حادثه‌ای خارج از کنترل او مال تلف شود، ضامن نخواهد بود. مبنای دیگر قاعده رفع (مبتنی بر حدیث رفع) است. حدیث رفع بیان می‌کند که نه چیز از امت اسلامی برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، اکراه، جهل، ناتوانی، اضطرار، حسد، فال بد زدن و اندیشه‌های وسوسه‌انگیز تا زمانی که به عمل یا گفتار تبدیل نشوند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۲۹۵). این حدیث به معنای رفع مسئولیت از کسانی است که به دلایل مذکور نتوانسته‌اند تعهدات خود را انجام دهند. بنابراین، اگر عامل خارجی موجب ناتوانی و اضطرار متعهد شده و اجرای تعهد را ممتنع کند، مسئولیتی بر عهده متعهد نخواهد بود (علیزاده، ۱۳۶۸: ۳۵).

## نتیجه‌گیری

زمانی که افراد تصمیم به انعقاد قرارداد می‌گیرند، اهداف و آثار خاصی را در نظر دارند و با توجه به اوضاع‌واحوال حاکم بر قرارداد و اجرای آن، سود و زیان معامله را بررسی می‌کنند. درصورتی‌که ماهیت قرارداد به‌گونه‌ای باشد که میان تشکیل و اجرای آن فاصله نباشد، احتمال وقوع ضرر برای یکی از طرفین بسیار کم است. اما اگر قرارداد نیاز به اجرای طولانی‌مدت داشته باشد، ممکن است شرایط حاکم بر زمان انعقاد تغییر کند و باعث ضرر یکی از طرفین شود یا تعهد یکی از طرفین بی‌ارزش شود. برای الزام متعهد به انجام تعهدات قراردادی، شرایطی لازم است و در صورت فقدان یکی از آن‌ها، الزام متعهد ناممکن خواهد بود. قابل پیش‌بینی بودن تغییرات و سخت‌تر شدن اوضاع‌واحوال، یکی از این شرایط است. اگر شرایط سخت پس از عقد غیرقابل‌پیش‌بینی باشد، متعهد نمی‌تواند به اجرای تعهد وادار شود. این موضوع در تئوری عدم پیش‌بینی و فورس‌ماژور مطرح می‌شود.

تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره دو مفهوم مهم در حقوق قراردادها بوده که هر یک به نوعی به دنبال مدیریت شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده می‌باشند. در حقوق ایران، تئوری عدم پیش‌بینی به معنای توانایی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



طرفین قرارداد در پیش‌بینی شرایط دشوار و حوادث ممکن در زمان انعقاد قرارداد است. این نظریه بر این فرض استوار است که طرفین قرارداد باید به‌طور معقول و منطقی، شرایط آینده را بررسی و تحلیل کنند و احتمال وقوع شرایط سخت و دشوار را در نظر بگیرند. این پیش‌بینی به طرفین کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهتری در مورد انعقاد قرارداد بگیرند و از وقوع مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری کنند. تحلیل شرایط اقتصادی، سیاسی، محیطی و اجتماعی و استفاده از ابزارهای موجود برای پیش‌بینی این شرایط، ازجمله ارکان تحقق تئوری عدم پیش‌بینی هستند. همچنین، در قرارداد باید شروط و تعهداتی درج شود که در صورت وقوع شرایط دشوار، قرارداد تعدیل یا فسخ گردد. در مقابل، قوه قاهره یا فورس‌ماژور به معنای نیروی بازدارنده‌ای است که خارج از اراده و کنترل طرفین قرارداد بوده و اجرای تعهدات را غیرممکن می‌سازد.

این مفهوم به حوادثی اشاره دارد که به‌طور ناگهانی و غیرمنتظره رخ می‌دهند و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند وقوع آن‌ها را پیش‌بینی یا از وقوع آن‌ها جلوگیری کنند. ازجمله ارکان تحقق قوه قاهره، حادثه‌ای است که خارج از اراده و کنترل طرفین باشد و تأثیر دائمی و طولانی‌مدت داشته باشد. وقوع بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان یا حوادث غیرطبیعی مانند جنگ، شورش، انقلاب و اعتصاب، از مصادیق قوه قاهره محسوب می‌شوند. در فقه امامیه، اصول مشابهی برای تحلیل شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده وجود دارد. قاعده لاضرر به معنای نفی ضرر در اسلام است که بیان می‌کند هیچ‌کس نمی‌تواند به اجرای تعهدی ملزم شود که موجب ضرر به وی گردد. این قاعده در شرایطی که حوادث غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی باعث ضرر به یکی از طرفین شود، اجرا می‌شود. قاعده نفی عسر و حرج نیز به رفع تکالیف سخت و نامتعارف در صورت بروز مشقت اشاره دارد. به این معنا که اگر شرایط به‌گونه‌ای شود که اجرای تعهدات برای یکی از طرفین مشقت‌بار و سخت باشد، می‌توان قرارداد را تعدیل یا فسخ کرد. قاعده رفع نیز به معنای رفع مسئولیت از کسانی است که به دلایل مختلف نتوانسته‌اند تعهدات خود را انجام دهند.

تمایز اصلی تئوری عدم پیش‌بینی و قوه قاهره در این است که تئوری عدم پیش‌بینی تنها موجب دشواری اجرای عقد می‌شود و تعادل و توازن مالی عقد را به هم می‌زند، ولی قدرت اجرای عقد را از متعهد سلب نمی‌کند. درحالی‌که در قوه قاهره، اجرای عقد غیرممکن می‌شود و متعهد به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند به تعهدات خود عمل کند. هرگاه متعهدله بخواهد با استناد به اصل وفاء به قراردادها از متعهد بخواهد که به هر نحو به قرارداد عمل کند، تعهد وی مرتفع می‌شود، چراکه هیچ‌کس نمی‌تواند حق و منفعت خود را با زیان دیگران محقق سازد؛ زیرا در اسلام ضرر جعل نشده است و تحمل اعمال شاق بر هیچ‌کس تکلیف نشده است. در شرایط سخت غیرقابل‌پیش‌بینی، اجرای تعهد ممکن است، اما به علت غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط، نمی‌توان متعهد را ملزم به اجرای تعهد ساخت. نهایتاً، هر دو مفهوم به دنبال مدیریت شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده هستند، اما با رویکردها و اصول مختلف به این هدف می‌پردازند. استفاده از این اصول و مفاهیم در چارچوب حقوقی ایران و فقه امامیه، به طرفین قرارداد کمک می‌کند تا با شرایط دشوار به نحو بهتری مواجه شوند و عدالت و انصاف را در اجرای تعهدات برقرار کنند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



## منابع


قرآن کریم

اسماعیلی، محسن (۱۳۸۱). قوه قاهره. تهران: سروش.

امامی، سیدحسن (۱۳۶۴). حقوق مدنی. تهران: کتاب فروشی اسلامیه.

انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۱ ق). کتاب المکاسب. قم: دارالذخائر.

آقایی، بهمن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوقی بهمن. تهران: گنج دانش.

آل بحرالعلوم، سید محمد (۱۳۶۲). بلغته فقهیه. تهران: مکتبه الصادق.

باغبانی نجف آباد، ملیحه (۱۳۹۷). ضررقابل پیش‌بینی در قراردادها، پایان‌نامه، قدس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

باقری، پرویز و گندمکار، حسین‌رضا (۱۴۰۲). «شروط کاهنده مسئولیت قراردادهای بیمه در حقوق اسلامی»، فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۲۷-۴۴.

بجنوردی، میرزا حسن (۱۴۱۹ ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر هادی.

بهادر، مرتضی و راستگوی مشهور، حورا (۱۳۹۷). «استناد به تحریم‌های اقتصادی بین المللی به‌عنوان فورس‌ماژور»، وکیل مدافع، فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری.

بهشتی، سیدعظیم (۱۳۹۱). تأثیر قوه قاهره در قراردادهای تجاری (پایان نامه). نراق: دانشگاه آزاد اسلامی.

بیگدلی، سعید (۱۳۸۶). تعدیل قرارداد. تهران: میزان.

پاکباز، سیامک (۱۴۰۰). شرح قانون مدنی فرانسه. تهران: میزان.

تلبا، مهدی (۱۳۹۴). اعتبارات اسنادی. تهران: مجد.

جعفرزاده شاهی، علی (۱۳۹۲). مسئولیت ناشی از پیش‌بینی عدم ایفای تعهد در حقوق داخلی و اسناد بین المللی، پایان‌نامه. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۳۷). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت. تهران: مشعل آزادی.

جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). حقوق تعهدات. تهران: گنج دانش.

جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱). تئوری موازنه. تهران: گنج دانش.

جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

جمعی از مؤلفان (۱۴۱۴ ق). مجله فقه أهل البیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت(ع).

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت(ع).

حسین‌آبادی، امیر (۱۳۷۶). «تعادل اقتصادی در قرارداد»، مجله تحقیقات حقوقی؛ دانشگاه شهید بهشتی.

حسینی عاملی، سیدمحمدجواد. (بی‌تا). مفتاح الکرامه. قم: مؤسسه آل البیت(ع).

حیدری فرد، علی اکبر (۱۳۸۵). تعدیل قرارداد توسط قاضی. شیراز: فرامتن.

خویی، سیدابوالقاسم. (بی‌تا). مصباح الفقاهه، (به کوشش میرزا علی توحیدی). قم: وجدانی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران.


Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



رجب‌زاده، محسن و نیک‌بخت، هادی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر تئوری عدم قابلیت پیش‌بینی حوادث بر تعدیل قضایی قراردادهای بانکی.» فصلنامه مطالعات حقوق، ۱۲۳-۱۴۱.

رضایی، علی (۱۳۹۴). «تأثیر قوه قهریه بر مطالبه وجه التزام قراردادی (نقد آراء شعبه ۲۱۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران و شعبه ۴۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران).» فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، ۶۸-۷۹.

روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۳ ق). فقه الصادق. قم: مؤسسه دارالکتاب.

سجادی، سید جعفر (۱۳۸۰). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: کومش.

السنهوری، عبدالرزاق (۱۳۸۳). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، ترجمه: دانش کیا، محمد حسین و دادمرزی، سید مهدی. قم: دانشگاه قم.

السنهوری، عبدالرزاق (۱۹۹۸). نظریه العقد. حلب: انتشارات الحلبی الحقوقی.

سیاح، احمد (۱۳۷۳). ترجمه فرهنگ بزرگ جامع نوین (المنجد). تهران: اسلام.

شعبانی، امید (۱۳۸۹). «بررسی تعذر اجرای قرارداد در فقه و حقوق ایران»، پژوهشنامهٔ فقه و حقوق اسلامی، ۹۳-۱۱۰.

شفائی، محمدرضا (۱۳۷۶). تغییر اوضاع‌واحوال در قراردادها. تهران: ققنوس.

شکری، محمد (۱۴۰۳). «ماهیت معاهدات از منظر داخلی و بین المللی؛ قرارداد یا قانون؟ (مطالعه اسناد بین المللی، حقوق ایران و عراق)»، فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۳۷-۵۶.

شهرجردی، مائده (۱۳۹۲). عدم قابلییت پیش‌بینی در رفع مسئولیت مدنی، پایان‌نامه. قم: دانشگاه قم.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). آثار قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.

صابر سلیمان، سیروان (۱۴۰۰). شیوع ویروس کرونا و تأثیر بر تعهدات قراردادی با توجه به نظریه حوادث پیش‌بینی نشده و قوه قاهره در حقوق ایران وعراق، پایان‌نامه، ارومیه: دانشگاه ارومیه.

صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۷۸). تغییر در شرایط قرارداد. تهران: دادگستر.

صادقی مقدم، محمدحسن (۱۳۷۹). «مطالعه تطبیقی تأثیر تغییر اوضاع‌واحوال بر قرارداد و راه‌حل حقوق ایران»، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۶۱-۲۲۲.

صالحی، بهرام (۱۴۰۰). آثار حقوقی تعذر و تعسر در اجرای قراردادهای کلی و جزئی (قراردادهای معین)، پایان نامه، بندرعباس: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر عباس.

صفایی، سیدحسین (۱۳۶۴). «قوه قاهره یا فورس‌ماژور بررسی اجمالی در قراردادهای بازرگانی بین المللی»، مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی جمهوری اسلامی، ۱۱۱-۱۵۴.

صفایی، سیدحسین (۱۳۸۳). قواعد عمومی قراردادها. تهران: میزان.

صفایی، سیدحسین (۱۳۸۶). مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، مقاله قوه قهریه یا فورس‌ماژور. تهران: میزان.

صیدانلو، سوده (۱۳۹۸). «آثار تعذر و تعسر اجرای قرارداد بر ساختار عقد در فقه و حقوق ایران»، تهران: دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی حقوق و علوم سیاسی.

طاهری، رقیه (۱۳۹۲). مطالعهٔ تطبیقی آثار قوهٔ قاهره بر تعهدات از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه، پایان نامه، میبد: دانشگاه آیت ا... حائری میبد.

طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۷۶). سؤال و جواب. قم: مرکز نشر علوم اسلامی.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی‌تا). تذکره الفقهاء. مشهد: مؤسسه آل البیت(ع).

علیزاده، حسین (۱۳۶۸). تأثیر قوه قاهره بر تعهدات، پایان نامه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ عمید. تهران: عمید.

فروزان مفرد، مهشید (۱۳۹۱). تعسر اجرای قرارداد و آثار آن در حقوق ایران، پایان نامه، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.

فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی منشودات. قم: دارالرضی.

قنبری، علیرضا (۱۳۹۹). «بررسی تئوریهای مطرح شده در زمینه تعدیل خسارات پیش‌بینی شده قرارداد در نظام حقوقی ایران» نشریه راه وکالت، ۴-۲۵.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰). ضمان قهری مسئولیت مدنی. تهران: دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). عقود معین. تهران: گنج دانش.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها - اجرای قرارداد. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کلیشادی، امین (۱۳۸۷). تعذر وفای به عهد درحقوق ایران با مطالعه تطبیقی در فقه امامیه حقوق انگلستان وکنوانسیون بیع بین المللی کالا، پایان نامه، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۱). قواعد فقه، جلد ۱-۲. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۸). نظریه عمومی نفی دشواری در حقوق اسلامی. تهران: انتشارات سخن.

مرادخانی، احمد و امیر شمس (۱۳۹۱). «بررسی قاعده فقهی (العقود تابعة للقصود)»، مطالعات فقهی فلسفی، ۳۳-۵۸.

مرادی، خدیجه (۱۳۹۲). «تحلیل مبانی تعدیل قضایی در حقوق ایران و فقه امامیه»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۳۲۱-۳۴۴.

مزرئی، ابوالفضل (۱۳۹۵). بررسی نقش قوه قاهره و هاردشیپ در قراردادهای تجاری، پایان‌نامه، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی.

معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین. تهران: فرهنگ نما.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع).

ملکی فر، عقیل (۱۳۹۲). روش‌های پیش‌بینی فناوری. تهران: مرکزتوسعه وتبادل دانش فناوری اطلاعات.

موسوی بجنوردی، میرزاحسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.

میرشکاری، عباس و هراتی، مصطفی (۱۴۰۱). «تحلیلی بر نظریه عدم‌پیشبینی در حقوق نوین فرانسه و جایگاه آن در حقوق ایران»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، ۱۷۱-۱۹۰.

نادرعلی، الهام (۱۳۹۶). «مفهوم تحریم و مطالعه تطبیقی فورس‌ماژور در قراردادهای بازرگانی». کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.

نائینی، میرزا حسین (۱۳۵۸). منیه الطلاب. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

نتاج، عبدالرزاق موسی؛ صفایی، سیدحسین؛ عربیان، اصغر، الماسی، نجادعلی و محبی، محسن (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



نظریه عدم‌پیش‌بینی پس از اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه و مقایسه با قواعد فقهی مشابه در فقه امامیه»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۷۲-۹۰.

نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱ م). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نظری، رحیم (۱۴۰۰). تأثیر قوه قاهره بر عدم مسئولیت و نقض تعهدات منفی قراردادی، پایان‌نامه، ایلام: دانشگاه آزاد اسلامی.

هوشیار، محمدرضا، مهدی زارع، و محمد رمضانی (۱۳۹۹). «آثار و شرایط قوه قاهره در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران»، نشریه دانش و پژوهش حقوقی، ۱۱۹-۱۴۶.

## References

Black، Henry Campell. (1968). Black’s Law Dictionary. United States: West Group

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



## چکیده تفصیلی

زمانی که افراد تصمیم به انعقاد قرارداد می‌گیرند، اهداف و آثار خاصی را در نظر دارند و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد و اجرای آن، سود و زیان معامله را بررسی می‌کنند. در صورتی که ماهیت قرارداد به گونه‌ای باشد که میان تشکیل و اجرای آن فاصله نباشد، احتمال وقوع ضرر برای یکی از طرفین بسیار کم است. اما اگر قرارداد نیاز به اجرای طولانی مدت داشته باشد، ممکن است شرایط حاکم بر زمان انعقاد تغییر کند و باعث ضرر یکی از طرفین شود یا تعهد یکی از طرفین بی‌ارزش شود. برای الزام متعهد به انجام تعهدات قراردادی، شرایطی لازم است و در صورت فقدان یکی از آن‌ها، الزام متعهد ناممکن خواهد بود. قابل پیش‌بینی بودن تغییرات و سخت‌تر شدن اوضاع و احوال، یکی از این شرایط است. اگر شرایط سخت پس از عقد غیرقابل‌پیش‌بینی باشد، متعهد نمی‌تواند به اجرای تعهد وادار شود. گاه شرایط غیرمنتظره باعث نمی‌شود که اجرای قرارداد ناممکن شود، بلکه آن‌را دشوار می‌کند. این تغییرات گاهی به علت حوادث غیرقابل‌پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر رخ می‌دهد و می‌تواند ضرری غیرمعمول به طرفین تحمیل کند. در حقوق تعهدات، تحول در اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد، با عناوین مختلفی مانند تغییر شرایط و اوضاع و احوال عقد، غیر ممکن شدن قرارداد، سختی اجرای قرارداد و... شناسایی شده که از مهم‌ترین آن‌ها و به عنوان مفاهیمی مستقل، تئوری عدم‌پیش‌بینی و قوه‌قاهره است. این دو مفاهیمی مهم در حقوق قراردادها بوده که هر یک به نوعی به دنبال مدیریت شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده می‌باشند. این پژوهش به تحلیل دو مفهوم اخیر در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه می‌پردازد و شرایط تحقق و مبانی فقهی و حقوقی آن‌ها را بررسی می‌کند. در حقوق ایران، تئوری عدم‌پیش‌بینی به معنای توانایی طرفین قرارداد در پیش‌بینی شرایط دشوار و حوادث ممکن در زمان انعقاد قرارداد است. این نظریه بر این فرض استوار است که طرفین قرارداد باید به‌طور معقول و منطقی، شرایط آینده را بررسی و تحلیل کنند و احتمال وقوع شرایط سخت و دشوار را در نظر بگیرند. این پیش‌بینی به طرفین کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهتری در مورد انعقاد قرارداد بگیرند و از وقوع مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری کنند. تحلیل شرایط اقتصادی، سیاسی، محیطی و اجتماعی، و استفاده از ابزارهای موجود برای پیش‌بینی این شرایط، از جمله ارکان تحقق تئوری عدم‌پیش‌بینی هستند. همچنین، در قرارداد باید شروط و تعهداتی درج شود که در صورت وقوع شرایط دشوار، قرارداد تعدیل یا فسخ گردد. در مقابل، قوه قاهره یا فورس ماژور به معنای نیروی بازدارنده‌ای است که خارج از اراده و کنترل طرفین قرارداد بوده و اجرای تعهدات را غیرممکن می‌سازد. این مفهوم به حوادثی اشاره دارد که به‌طور ناگهانی و غیرمنتظره رخ می‌دهند و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند وقوع آن‌ها را پیش‌بینی یا از وقوع آن‌ها جلوگیری کنند. از جمله ارکان تحقق قوه قاهره، حادثه‌ای است که خارج از اراده و کنترل طرفین باشد و تأثیر دائمی و طولانی‌مدت داشته باشد. وقوع بلایای طبیعی مانند زلزله، سیل، طوفان یا حوادث غیرطبیعی مانند جنگ، شورش، انقلاب و اعتصاب، از مصادیق قوه قاهره محسوب می‌شوند. در فقه امامیه، اصول مشابهی برای تحلیل شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده وجود دارد. قاعده لاضرر به معنای نفی ضرر در اسلام است که بیان می‌کند هیچ‌کس نمی‌تواند به اجرای تعهدی ملزم شود که موجب ضرر به وی گردد. این قاعده در شرایطی که حوادث غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی باعث ضرر به یکی از طرفین شود، اجرا می‌شود. قاعده نفی عسر و حرج نیز به رفع تکالیف

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



سخت و نامتعارف در صورت بروز مشقت اشاره دارد. به این معنا که اگر شرایط به گونه‌ای شود که اجرای تعهدات برای یکی از طرفین مشقت‌بار و سخت باشد، می‌توان قرارداد را تعدیل یا فسخ کرد. تمایز اصلی تئوری عدم‌پیش‌بینی و قوه قاهره در این است که تئوری عدم‌پیش‌بینی تنها موجب دشواری اجرای عقد می‌شود و تعادل و توازن مالی عقد را به هم می‌زند، ولی قدرت اجرای عقد را از متعهد سلب نمی‌کند. در حالی که در قوه قاهره، اجرای عقد غیرممکن می‌شود و متعهد به هیچ وجه نمی‌تواند به تعهدات خود عمل کند. هرگاه متعهد له بخواهد با استناد به اصل وفاء به قراردادها از متعهد بخواهد که به هر نحو به قرارداد عمل کند، تعهد وی مرتفع می‌شود، چرا که هیچ‌کس نمی‌تواند حق و منفعت خود را با زیان دیگران محقق سازد زیرا در اسلام ضرر جعل نشده است و تحمل اعمال شاق بر هیچ‌کس تکلیف نشده است. در شرایط سخت غیرقابل‌پیش‌بینی، اجرای تعهد ممکن است اما به علت غیرقابل‌پیش‌بینی بودن شرایط، نمی‌توان متعهد را ملزم به اجرای تعهد ساخت. نهایتاً، هر دو مفهوم به دنبال مدیریت شرایط غیرمنتظره و پیش‌بینی‌نشده هستند، اما با رویکردها و اصول مختلف به این هدف می‌پردازند. استفاده از این اصول و مفاهیم در چارچوب حقوقی ایران و فقه امامیه، به طرفین قرارداد کمک می‌کند تا با شرایط دشوار به نحو بهتری مواجه شوند و عدالت و انصاف را در اجرای تعهدات برقرار کنند. با بررسی سوابق مرتبط با پژوهش، موضوع تحت عنوان تعذر در اجرای قرارداد، تغییر شرایط و اوضاع و احوال و مشقت در اجرای قرارداد بحث شده است لیکن پیرامون آن، تقریباً پیشینه‌ی تحقیقی منطبقی وجود ندارد. این پیشینه‌ی تحقیقی محدود نشان‌دهنده کمبود تحقیقات جامع در مورد بررسی دقیق و مقایسه‌ای تئوری عدم‌پیش‌بینی و قوه قاهره از منظر حقوق ایران و فقه امامیه است و ضرورت تحقیق حاضر و نوآورانه بودن آن‌را برجسته می‌کنند. این تحقیق می‌تواند به پر کردن خلاء موجود در دانش حقوقی کمک کرده و به بهبود عملکرد سیستم حقوقی در موارد مرتبط منجر شود. هدف کلی پژوهش شناخت مفهومی و نظری تئوری عدم‌پیش‌بینی در اجرای تعهدات و قوه قاهره از منظر حقوق ایران و فقه امامیه، به منظور ارائه راهنمایی روشن برای پژوهشگران و اندیشمندان این حوزه بوده و اهداف جزئی آن تبیین مصادیق و موارد مشکوک در مقام عمل و در اختلافات، به منظور تسهیل تصمیم‌گیری صحیح و شایسته توسط کاربران این حوزه می‌باشد. سؤال اصلی پژوهش آن است که تئوری عدم‌پیش‌بینی با قوه قاهره در حقوق ایران و فقه امامیه چه تفاوتی دارد؟ و فرضیه تحقیق آن است که در صورت غیرممکن شدن اجرای قرارداد و وقوع شرایط غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب منجر به عدم امکان اجرای تعهدات، طرفین از انجام تعهد خود معاف هستند. اما اگر اجرای قرارداد بار سنگین‌تری از مدنظر طرفین را تحمیل کند و این دگرگونی به هنگام تشکیل قرارداد قابل پیش‌بینی بوده باشد، طرفین ملزم به اجرای تعهدات خود هستند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده کرده است. پژوهش از طریق بهره‌گیری از کتاب‌ها و مقالات در دسترس و مرتبط با موضوع انجام گرفته است.

## Extended Abstract

When people decide to make a contract, they have specific goals and effects and consider the benefits and losses of the transaction, given the circumstances of the contract and its implementation.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



If the nature of the contract is such that there is no gap between its formation and implementation, the likelihood of loss to one of the parties is very low. But if the contract requires long-term implementation, the conditions at the time of the contract may change and cause one party to lose or the obligation of one of the parties to be worthless. Conditions are required for the obligation to fulfill the contractual obligations, and in the absence of one of them, the obligation will be impossible. One of these conditions is the predictability of changes and the situation. If the harsh conditions are unpredictable after the contract, the pledge cannot be forced to execute. Sometimes unexpected conditions do not make the contract impossible, but make it difficult. These changes can sometimes occur due to unpredictable and inevitable events and can cause unusual damage to the parties. In the rights of the obligations, the evolution of the conditions governing the time of the contract has been identified with various titles such as changing the terms and conditions of the contract, the impossibility of contracting, the difficulty of executing the contract, etc. The most important of which is independent concepts, the theory of non-foresight and force majeure. These are two important concepts in contract law, each of which somehow seek to manage unexpected and unforeseen conditions. This study analyzes two recent concepts in the Iranian legal system and Imamia jurisprudence and examines the conditions of their legal and legal principles. In Iranian law, the theory of non-forecasting means that the parties to the contract are capable of predicting difficult conditions and possible events at the time of the contract. The theory is based on the assumption that the parties to the contract must reasonably analyze and analyze the future conditions and consider the possibility of difficult and difficult conditions. This forecast will help the parties make better decisions about the contract and prevent potential problems in the future. Analyzing the economic, political, environmental and social conditions, and the use of existing tools to predict these conditions, are among the pillars of the realization of the theory of non-prediction. Also, the contract must include conditions and obligations that the contract be adjusted or terminated in the event of difficult circumstances. In contrast, Force majeure means a deterrent that is outside the will and control of the parties to the contract and makes it impossible to execute obligations. This concept refers to events that occur suddenly and unexpectedly, and neither party can predict or prevent them from happening. One of the pillars of force majeure's realization is an event that is outside the will and control of the parties and has a permanent and long-term impact. Force majeure is considered to be the case of natural disasters such as earthquakes, floods, storms or abnormal events such as war, rebellion, revolution and strike. In Imamia jurisprudence, there are similar principles for analyzing unexpected and unpredictable conditions. The rule of law means rejecting harm in Islam, which states that no one

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



can be obliged to fulfill a commitment that would harm him. This rule applies when unexpected and unpredictable events cause harm to one of the parties. The rule of negation of hardship also refers to the removal of difficult and unusual tasks in the event of suffering. That is to say, the contract can be modified or terminated if the conditions are so difficult and difficult for one of the parties to fulfill. The main distinction of force majeure's theory of non-foresight is that the theory of non-forecasting only makes it difficult to execute the contract and disrupts the financial balance and balance of the contract, but does not deprive the contracting power of the contract. While in Force majeure, the contract becomes impossible and the pledgee can in no way fulfill its obligations. Whenever a pledgee wishes to act on the principle of loyalty to the contracts, he wishes to act in any way, his obligation is fulfilled, because no one can fulfill his right to the detriment of others because Islam has not been forged and no one has tolerated it. In difficult circumstances, the obligation is possible, but due to the unpredictability of the conditions, the obligation cannot be obliged to fulfill the obligation. Finally, both concepts seek to manage unexpected and unpredictable conditions, but with different approaches and principles. The use of these principles and concepts within the legal framework of Iran and the Imamia jurisprudence will help the contracting parties to face difficult conditions and to establish justice and fairness in fulfilling their obligations. By examining the research-related records, the subject is discussed as a delay in contract implementation, changing circumstances and conditions, but there is almost no logical research background around it. This limited research background reflects a lack of comprehensive research into the careful and comparative study of force majeure's theory of non-prediction and power from the perspective of Iranian law and Imamia jurisprudence and highlights the necessity of present research and its innovation. This research can help fill the vacuum in legal knowledge and improve the performance of the legal system in related cases. The overall purpose of the research is the conceptual and theoretical understanding of the theory of non-prediction in the implementation of force majeure's obligations and powers from the perspective of Iranian law and Imamia jurisprudence, in order to provide clear guidance to scholars and scholars in this field, and its partial purposes are to explain the facts and suspicious cases in the matter of action and in the dispute. The main question of the research is how does the theory of non-prediction differ from that of Force majeure in Iranian law and Imamia jurisprudence? And the research hypothesis is that if the contract is impossible to execute and the unpredictable and unavoidable conditions result in the impossibility of fulfilling the obligations, the parties are exempt from fulfilling their obligations. However, if the implementation of the contract imposes a heavier burden on the parties and this change is predictable when the contract is formed, the parties are

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir



required to fulfill their obligations. The research method in this study is descriptive-analytical and has used library studies. The research has been done through the use of available and relevant books and articles.

**Key Words:**

unpredictability, force majeur, discharge of obligation.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir